



۲۰۲۰/۰۹/۰۲



میر عبدالرحیم عزیز

## امریکا به غنی هدایت داد: "مذاکرات بین الافغانی را فوراً آغاز کن"



رابرت اوبراین مشاور امنیت ملی رئیس جمهور امریکا

طی یک مکالمهٔ تلفونی حاکمانه، رابرت اوبراین مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ به اشرف غنی رئیس جمهور دولت مستعمراتی کابل هدایت داد که به زودترین فرصت مذاکرات به اصطلاح بین الافغانی را با طالبان آغاز نماید. بدون تردید که این امر امریکا از جانب مقامات دولت مستعمراتی کابل در مرحلهٔ اجراء قرار خواهد گرفت و کسی جرأت نافرمانی را نخواهد داشت.

همهٔ این چشم پتکان ها برای فریب مردم ما است. به راه انداختن لویه جرگهٔ جعلی و صدور قطعنامهٔ احمقانه و دیگر نشست و خیز های طفلانه برای اغفال مردم بدبخت ما طرح ریزی شده است. از شروع مذاکرات صلح بین امریکا و تحریک طالبان، سیر حوادث در دست امریکائی ها قرار داشته است. دولت کابل فقط مجری اوامر و اشنگتن بوده و حق تمرد و سرپیچی را ندارد. غنی و عبدالله کاملاً آگاهند که تا چه اندازه می توانند بلند پروازی نمایند. تصور میشود که درین اواخر دولت کابل و سائر عمال امریکا یک اندازه وقت را ضایع کردند که اشنگتن را نارام ساخته است. در روز هائی که تب انتخابات امریکا به سرعت بالا رفته، ادارهٔ ترامپ بعد از سرشکستگی ها و ناکامی های پی در پی در سوریه و ایران و ازدیاد تشنج در روابط انقره و اشنگتن، آغاز جنگ سرد بین چین و امریکا و نزدیکی ایران با چین به یک پیروزی نسبی در افغانستان ضرورت دارد تا آن را یک "موفقیت" در سیاست خارجی خود به مردم امریکا عرضه کند.

دولت مستعمراتی کابل بار ها تکرار نموده بود که یک تعداد مجرمین طالب را به آسانی رها نخواهد کرد، لکن در مقابل امر و اشنگتن مقاومت نتوانست و زود تسلیم گردید. بی بی سی گزارش داد که "در حال حاضر مانع اصلی آغاز مذاکرات بین الافغانی تبادل آخرین رقم از زندانیانی است که طالبان با آمریکایی ها در دوحه توافق کرده بودند". با امتیاز دهی بیش از حد امریکا به طالبان که زمینه را برای قدرت نمائی آنها در افغانستان هموار می سازد، غنی و همراهان در اضطراب اند که مبدا با از دست دادن قدرت، در زبالهٔ تاریخ پرتاب خواهند شد. تصور این است که طالبان شاید برای خلق یک نظام دلخواه شان خواستار به وجود آمدن یک ادارهٔ موقت گردند که نه غنی و نه کرزی در رهبری آن قرار داشته باشد.

غنی و همراهان از سرنوشت نکبت بار نجیب الله آگاه اند که به چه حالت فجیع جهان فانی را وداع گفت. غنی میدانند که مقاومت در مقابل او امر امریکا به جزء ذلت چیزی دیگری نصیبش نخواهد شد. اگر افغانستان یک دولت مستقل ملی میداشت و زعیم کشور فرد مستقل و میهن دوست میبود، بیگانگان نمی توانستند به او فرمان صادر نمایند.

امریکا به این نتیجه رسیده است که ادامه جنگ باعث تلفات بیشتر عساکر امریکائی خواهد شد و وجه طالبان هم در سطح ملی بالا خواهد رفت. پس بهتر است، همانطوریکه سائر گروه ها و افراد را با پول خریداری کرده اند، طالبان را هم می توان با پول خرید. نقطه مشترک دولت مستعمراتی کابل، گروه های جهادی و طالبان همین است. این طرز کار برای امریکا کم مصرف تر خواهد بود. طوریکه احمد شاه مسعود با عقد قرار داد مخفی با شوروی، می فهمید چطور قوای روس را خوشنود نگهدارد، به یقین که طالبان به این نتیجه رسیده باشند که تخطی از حدود تعیین شده برای شان گران تمام خواهد شد. اگر احیاناً امریکا همه قوای خود را از افغانستان خارج سازد، نیرو های امریکا در دور و نوای افغانستان همیشه در کمین خواهند بود که در موقع ضرورت، طالبان را در هم بکوبند و آنها را از تفوق همه جانبه باز دارند. ناگفته نباید گذاشت که برای یک عده از تحلیلگران، امریکا در افغانستان شکست خورده و زانو زدن مقابل طالبان و تقاضا برای آوردن صلح خود یک نوع شکست و سرافکنندگی برای امریکا تلقی میشود.

اوبراین برای دل آسائی دولت مستعمراتی کابل متذکر شد که "امریکا در کنار نیروهای امنیتی افغان که برای حمایت مردم شان فداکاری های بزرگی را انجام داده اند می ایستد... از افغانستان دموکراتیک و متحد که دوباره جایگاهی برای "تروریسم" بین المللی نباشد، پشتیبانی می کند". برای خود نمائی، امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری دولت مستعمراتی کابل اظهار داشت که "افغانستان و متحدان بین المللی در زمینه پیامد مذاکرات، دیدگاه هماهنگ و یکپارچه دارند که پس از مذاکرات صلح، این کشور همچنان دموکراتیک، متحد و با اقتدار باقی بماند".

گفتار اوبراین ماست مالی برای حیثیت از دست رفته دولت دست نشانده امریکا در کابل است و اظهار نظر امرالله صالح تظاهر به موجودیت خود است که بتواند ترحم اربابان امریکائی را برای بقای خویش جلب نماید. هیچ دولت دست نشانده حق تصمیم گیری را ندارد. ما از دولت مزدور خلقی- پرچی این خاطره را داریم که روس ها با هر یک از مزدوان خود مانند سگ رفتار می کردند و یا اینکه به ذرایع مختلف آنها را نابود می ساختند. ببرک کارمل در اواخر عمر در حیرتان از فرط بی وفائی مسکو قوله می کشید، لاکن اظهار ندامت از خیانت و میهن فروشی برایش دیر شده بود. از سرنوشت سفالت بار تره کی، امین و سرانجام نجیب هم آگاه هستیم.

دولت غنی و عبدالله میدانند که چه حیثیت را نزد اربابان امریکائی دارند و در صورت بی اطاعتی چه سرنوشتی در انتظار شان خواهد بود.



[هرگاه متمایل باشید که مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنید، اینجا کلیک نمایید.](#)